



بررسی رویکرد جامعیت حداکثری در قلمرو دین / مرز دین تا کجاست؟

آیت الله جوادی آملی با پذیرش نظریه جامعیت حداکثری و تبیین آن در حوزه قلمرو دین، در داخل کشور از اولین کسانی بودند که نسبت به مباحث فلسفه دین اظهار نظر کردند.

آیت الله جوادی آملی با پذیرش نظریه جامعیت حداکثری و تبیین آن در حوزه قلمرو دین، در داخل کشور از اولین کسانی بودند که نسبت به مباحث فلسفه دین اظهار نظر کردند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مباحث کلام جدید که با نگاهی درجه دو نکاتی را در خصوص دین مطرح می ساخت؛ با خاستگاهی غربی طی چند دهه گذشته پا به عرصه تفکر اسلامی گذاشته است. از جمله این مسائل؛ مقوله قلمرو دین است که نظرگاه های متفاوتی را بر حول خود شکل داده. از جمله متفکرانی که در همان ابتدا نسبت به این مسئله اظهار نظر کرد؛ استاد جوادی آملی است. ایشان در کتاب انتظار بشر از دین و بعدها در کتاب منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ مطالبی را در این خصوص بیان نموده اند. در این نوشتار گزارشی از نظرات ایشان در خصوص قلمرو دین خواهیم داد.

روش استخراج نظریه های قلمرو دین

از اظهارات اندیشمندان در خصوص مسائل زیر می توان طرح آنان در خصوص قلمرو دین را استخراج کرد:

الف: براهین اثبات نبوت عامه: در براهین اثبات نبوت عامه هدف بیان این نکته است که اساساً چرا پروردگار عالم لازم بود که پیامبری برای انسان ارسال کند؟ نوع برهان به کار رفته در این مبحث می تواند بازتاب دهنده نظر اشخاص در قلمرو دین باشد.

ب: تعریف انسان: محدوده آزادی و اراده ای که برای انسان لحاظ می شود تأثیر در نظریات قلمرو دین دارد.

ج: منابع دین: طبیعتاً کسانی که تنها منبع دین را نقل دانسته به نسبت اشخاص دیگر که عقل را نیز در منابع دینی می آورند قلمرو محدود تری برای دین لحاظ می کنند.

گستره دین از دریچه براهین اثبات نبوت عامه

برهان یاد شده مختار ایشان بدین شرح است:

«الف: آفریدگار انسان، خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدفی عالی آفریده است.

ب: انسان، حقیقتی جاودانه است و باید در «صراط مستقیم» به سوی ابدیت حرکت کند تا از این راه، سعادت ابدی خود را تأمین کند و اگر در این راه مرتکب خطا شود، دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد.

ج: چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیازهای وی واقف است و جز او از حقیقت انسان و نیازها و انتظارات واقعی انسان، آگاهی ندارد.

د: چون فقط خداوند از حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیاز او آگاه است، هیچکس جز او نمی تواند انتظارات او را برآورده سازد و اگر هم بخواهد در این راه قدمی بردارد، چون معصوم نیست، دچار اشتباه شده، با فراهم کردن زمینه های سقوط انسان، موجب محرومیت ابدی وی می شود و سقوط و محرومیت ابدی انسان با عنایت و حکمت خداوند سازگار نیست. از این رو، خود خداوند برنامه هدایت انسان را تنظیم و آن را به وسیله پیک معصوم وحی، ارسال می کند تا کتاب منزه و معصوم الهی را در اختیار انسان قرار دهد و بشر با پیمودن راه و برنامه الهی، مصون از گزند سهو و نسیان و خطا زندگی خود را شکل دهد و به سعادت حقیقی خویش نائل آید و به مقصد نهایی که لقای الهی است، برسد و در پرتو لقای خداوند از سعادت جاودانه بهره مند گردد.

برهان مزبور که اجمالاً بیان شد، اثبات می کند که بین عمل انسان در زندگی و سعادت ابدی او رابطه برقرار است و چون شئون زندگی انسان گسترده است، دین هم شئون مختلف داشته، از برنامه گسترده برخوردار است؛ انسان چون دارای بعد اعتقادی و

اخلاقی و حقوقی و فقهی است و در همه این زمینه ها نیازمند به برنامه ریزی است، دین نیز باید مشتمل بر همه این ابعاد باشد و نیازهای اعتقادی و اخلاقی و فقهی او را تأمین کند و برنامه ریزی هایی در ابعاد مختلف زندگی داشته باشد تا انسان با استفاده از آن ها به سعادت ابدی برسد.»

تبیین قلمرو دین از منظر انسان شناسی

در این بخش تنها ذکر این نکته کافی است که از منظر استاد جوادی آملی و همه عالمان شیعی؛ انسان موجودی طبیعی-فراطبیعی؛ عقلی-احساسی؛ فردی-اجتماعی است که باید برای تمام ابعاد ذکر شده وی برنامه ریزی صورت بگیرد. در رویکرد انسان مدارانه به این مبحث؛ انسان به واسطه نیازی به دین رجوع می کند و دین را کامل ترین و تنها رافع آن نیاز می بیند. البته در این رویکرد باید توجه داشت که نیازهای انسان خود به دو دسته صادق و کاذب تقسیم شده و در نهایت با رجوع به دین تعدیل می شود.

تبیین قلمرو دین از منظر منابع دین

در این قسمت به طور خلاصه در قالب چند گزاره طرح استاد جوادی آملی در زمینه منابع و هندسه معرفت دینی توضیح داده خواهد شد:

۱: «نقل همان وحی نیست چراکه وحی معصوم در نزد معصوم و نقل کلماتی از معصوم است که در گذر تاریخ به ما رسیده در نتیجه می تواند حاوی خطا باشد.

۲: عقل و علم در حال شناخت تکوین (خلقت) الهی و نقل در حال شناخت تشریع الهی هستند.

۳: به همان دلیل که ما معرفت حاصل از شناخت کلام الهی را دینی می دانیم؛ معرفت حاصل از شناخت فعل الهی (طبیعت) نیز دینی است.

۴: کلیات همه علوم در قرآن و روایت ذکر شده؛ پس علينا القا الاصول و علیکم بالتفریع.»

پس با توجه به گزاره های چهارگانه بالا: عقل اعم از عقل تجربیدی (فلسفه) و عقل تجربی (علوم طبیعی) و نقل هر دو زیر مجموعه وحی معصوم اند که باید از آن سیراب شوند؛ پس هردو به یک اندازه دینی اند و در هنگام تعارض همانند تعارض نقل و نقل عمل می کنیم.

جمع بندی

استاد جوادی آملی با توجه به مباحث ذکر شده؛ مأموریت و قلمرو دین را منحصر در آخرت ندانسته و برای آن قلمروی حد اکثری در نظر می گیرد. طبیعتاً دین علاوه بر ذکر تمام جزئیات هدایتی خود؛ کلیات تمام علوم را نیز در بر دارد. در نتیجه ایشان قائل به جامعیت حد اکثری در مباحث قلمرو دین هستند. به عبارت دیگر از طرفی ایشان با طرد انحصار دین در آخرت؛ قرائت های حداقلی را کنار زده و با طرد منحصر دانستن قلمرو دین در هدایت؛ قرائت های اعتدالی را کنار می گذارند.